

اسماعیل رزم آسا
روزنامه نگار و پژوهشگر
تاریخ مطبوعات ایران

قسمت سوم

قراردادهای استعماری و ملی شدن صنعت نفت

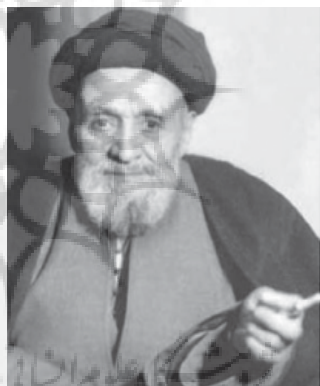
دکتر مصدق: چه امری نامشروع تر از اینکه قراردادی ملتی را تحت اسارت دولت دیگری قرار دهد؟

پیش از اینکه به موضوع قراردادهای استعماری و ملی شدن صنعت نفت بپردازیم، لازم می دانم ضمن اشاره به اظهارات آقای دکتر محمد حسین صفارهرندی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی توضیح مختصری بدهم. ایشان در دومین همایش ملی روابط عمومی دستگاه های اجرایی ضمن قدرانی از رسانه ها اظهار داشته اند که: «هیچ وقت مطبوعات برای طرح انتقاداتشان مانند الان زمینه نداشته اند» (اطلاعات ۲۸ اردیبهشت ۸۷ ص ۲) هر چند راقم این سطور در نخستین و سومین سمینار بررسی مسایل مطبوعات ایران، هم درباره فواید آزادی قلم و بیان و اثرات آن و هم زیان های عدم آن به تفصیل سخن گفته و متن سخنان سمینار اول (ششم اسفند ۱۳۶۹) در کتاب: (قضاوت تاریخ از آقامحمدخان تا محمدرضا شاه) آمده ولی اکنون هم یادآور می شود که هیچ حکومتی از آزادی قلم و زبان زیان ندیده است، حاکمانی زبان دیده اند که قلم ها را شکسته و زبان ها را بریده اند که جز لعن و نفرین چیزی برای خود باقی نگذاشته اند.

کسی زین میان گوی سبقت ربود که در بند آسایش خلق بود

(سعدی)

داشتن ثروت سرشار، از گرسنگی جان بدهد و عواید او را یک شرکت دولت خارجی و سرمایه داران آن دولت غصب نموده با ثروت خود او وسیله نابودی او را فراهم کنند؟ چه امری غیرممکن تر از اینکه ملتی خود از فقر نابود شود و دیگری از ثروت او وسایل فرمانروایی بر آن مملکت را فراهم کند؟ تمام این مقدمات به فرض این است که قراردادی در محیط آزاد منعقد شده باشد و حال آن که همه می دانیم که قرارداد باطل ۱۹۳۳



دوران پرافتخار

در شانزدهمین دوره مجلس شورای ملی به دنبال خواسته ملت ایران در جلسه علنی مورخ ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ طرح ملی شدن صنعت نفت را به اتفاق آرا تصویب کرد و تماشاچیان نسبت به این اقدام ابراز احساسات کردند و پس از تعطیل شدن مجلس سر و صورت نمایندگان توسط تماشاچیان غرق در بوسه شد. مجلس سنا نیز در جلسه فوق العاده مورخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ مصوبه مذکور را مورد تایید قرارداد و این روز در تاریخ ایران یک روز ملی شناخته شد.

مرحوم آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی که بعد از شانزده ماه تبعید و اقامت در سوریه و لبنان در پنجم تیر ماه ۱۳۲۹ به ایران آمد و در تهیهی ملت ایران برای مبارزات آنان جهت ملی شدن صنعت نفت می کوشید، در ۲۶ اسفند ۱۳۲۹ طی پیامی از نمایندگان مجلس شورای ملی برای اقدام در این امر قدرانی کرد.

دکتر مصدق در ۱۷ فروردین ۱۳۳۰ یک مصاحبه مطبوعاتی با خبرگزاری های داخلی و خارجی در منزل خود به عمل آورد و به سوالاتی که به زبان فارسی و فرانسه تهیه شده بود پاسخ داد که به نقل خلاصه ای از آنها می پردازیم:

دکتر مصدق پس از پاسخ به برخی سوالات اظهار داشت: (سوال کرده اند اگر کمپانی {شرکت نفت} به حکمیت مراجعه کند ایران چه خواهد کرد؟). جواب

سوال این است: "اولا مسایل مربوط به حق حاکمیت ملل قابل ارجاع به حکمیت نیست و ملی کردن صنایع در هر مملکت ناشی از حق حاکمیت ملت است. ثانيا بر فرض اینکه شرکت به حکمیت رجوع کند و بر فرض محاکمه تقاضای او مورد قبول واقع شود، هیچ محکمه ای هر قدر هم دست نشانده و بی انصاف و ظالم باشد نمی تواند به محرومیت ملتی از حق حاکمیت خود حکم دهد. ثالثا بر فرض اینکه قراردادی در محیط آزاد و امن و امان هم منعقد شود، موضوع آن نباید نامشروع یا خلاف اخلاق عمومی و یا غیرممکن باشد و هر قراردادی که فاقد یکی از سه شرط باشد، اصلا باطل و کان لم یکن است.

دکتر مصدق در این جا خطاب به خبرنگاران گفت: "از آقایان می پرسم: چه امری نامشروع تر از اینکه قراردادی ملتی را تحت اسارت دولت دیگری قرار دهد؟" چه خلاف اخلاقی از این واضح تر که ملتی با

تحت فشار و تهدید دولت دیکتاتوری که اساسا برای همین کار به وجود آمده بود منعقد شده و گذشته از اینکه نمایندگان مجلس نمایندگان حقیقی ملت نبوده که سندی به حساب ملت تصویب کنند، وزیر امضاکننده آن به اکراه و اجبار صورت گرفته و در انجام این عمل بیش از یک آلت فعل (۱) نبوده است.

سپس دکتر مصدق گفت: «آخرین سؤال این است که در خصوص یادداشت سفارت انگلیس به دولت ایران نظر اینجانب چیست؟» نظر من این است که دولت باید یادداشت سفیر انگلیس را رد کند زیرا بر فرض اینکه به ادعای شرکت قراردادی بین دولت ایران و آن شرکت منعقد شده باشد، دخالت دولت انگلیس در کاری که بین یک شرکت تجاری و دولت ایران واقع شده فقط از نظر مداخله نامشروع و تهدید است و بس. و تاکنون در نتیجه ی همین فشارهای ناروا دولت ایران نتوانسته است استیفای حقوق خود را بکند و مبلغ ناچیزی را هم که

حمله قرار می‌دادند و می‌گفتند: "مصدق عامل امپریالیسم آمریکاست!" (۱۰)

دکتر انور خامه‌ای تعداد روزنامه‌هایی که در دوران دکتر مصدق منتشر می‌شد را بالغ بر ۳۷۰ روزنامه و مجله می‌داند و می‌گوید: "از این میان ۵۰ تا ۷۰ روزنامه و مجله مخالف دولت دکتر مصدق بودند..." (۱۱) دکتر ابوالحسن ضیاظریفی دبیر کل سازمان دانشجویان دانشگاه تهران هم (۱۲) که یکی از اعضای فعال حزب توده بوده و بعدها به قول خودش از آنها می‌برد می‌گوید: «در موضوع نفت، ما بزرگترین ضربه را از حزب توده خوردیم، برای اینکه من یادم هست به کیانوری گفتم وقتی طرفداران و اعضای جبهه ملی شعار ملی شدن نفت را مطرح می‌کنند، ما هر شعار دیگر که بدسیم جاذبه‌ای نخواهد داشت، و این در حالی بود که رهبران حزب می‌گفتند فقط باید شعار لغو قرارداد نفت جنوب را عنوان کنید. به کیانوری گفتم اگر ما این شعار را بدسیم جنبه انفعالی پیدا می‌کنیم و شکست می‌خوریم. کیانوری به من جواب داد: به عنوان دبیر کل کمیته مرکزی دستور می‌دهم و شما باید همان طور عمل کنید» (۱۳) باز هم به این بحث ادامه خواهیم داد.

پانویس‌ها:

- ۱- منظور از (آلت فعل) سید حسن تقی زاده وزیر وقت دارایی است که بعد از شهریور بیست در مجلس پانزدهم به آن اشاره کرد و برخی معتقدند که او با به کار بردن این جمله کمکی به ملی شدن صنعت نفت کرده است.
- ۲ و ۳- اطلاعات ۸۰ سال، ص ۱۰۱
- ۴- روزنامه اعتماد در شماره ۱۶۴۱ مورخ ۲۸ اسفند ۱۳۸۶، صفحه ۷ با عنوان: (نفت چگونه ملی شد به نقل از کتاب: (معمای ایرانی) نوشته کنت پولاک ترجمه عرفان قانعی فرد به اشتباه می‌نویسد: (جانشین رزم‌آرا دکتر مصدق شد...))
- ۵- (... یکی از نمایندگان چند روز قبل از کشته شدن رزم‌آرا «نخست‌وزیر به خانه‌ی من آمده بود و مرا از طرف شاهنشاه برای تصدی این مقام دعوت کرده بود و هیچ تصور نمی‌کرد برای قبول کار حاضر شوم اسمی از من برد که بالاترمل موافقت کردم... موافقت من هم روی این نظر بود که طرح نمایندگان راجع به ملی شدن صنعت نفت از بین نرود و در مجلس تصویب شود. چنانچه آقای سید ضیاءالدین نخست‌وزیری شد، دیگر مجلسی نمی‌گذاشت تا من بتوانم موضوع را تعقیب کنم، مرا هم با یک عده توقیف و تبعید می‌کرد... چنانچه شخص دیگری هم متصدی این مقام می‌شد باز من نمی‌توانستم صنعت نفت را ملی کنم...» خاطرات دکتر مصدق ص ۱۷۸. محمدرضا شاه هم با توجه به چنین سوابقی که سید ضیاء داشت می‌ترسید که وی همان بلایی که پدرش (رضا شاه) بر سر احمد شاه و سید ضیاء آورد بر سر او نیز بیاورد.
- ۶- اداره این نشست‌ها به عهده مرتضی رسولی پور می‌باشد که پیداست به تاریخ معاصر ایران به خوبی مسلط است.
- ۷- ص ۳۱۵، همان
- ۸- خالد بکتاش در آن وقت دبیر کل حزب کمونیست سوریه بوده است.
- ۹- صص ۳۱۷-۳۱۵، فصلنامه شماره ۴۱
- ۱۰ و ۱۱- ص ۳۲۳، همان
- ۱۲- حسن ضیاء ظریفی که جزو گروه ۹ نفره بیژن جزنی بود و تپه‌های اوین اعدام شد برادر وی می‌باشد.
- ۱۳- فصلنامه تاریخ معاصر، ج ۲، ص ۲۲۳

می‌یابند و پیرامون مسایل تاریخی گذشته به بحث و گفت‌وگو می‌پردازند و ماحصل این گفت‌وگوها در فصلنامه تاریخ معاصر ایران منتشر می‌شود که جایز اهمیت است.

در فصلنامه شماره ۴۱ که در بهار ۱۳۸۶ منتشر شده، گزارش ششمین نشست بررسی مطبوعات از شهریور ۱۳۲۰ تا بهمن ۱۳۵۷ در آن به چاپ رسیده است. (۶)

دکتر انور خامه‌ای باقی مانده اعضای ۵۳ نفره حزب توده که شرح حالش توسط فرزند فرهیخته او (ملیحه خامه‌ای) در شماره ویژه نوروزی "گزارش" سال ۱۳۸۷ با عنوان: (یکی از ۵۳ نفر) نوشته شده بود، خودش (دکتر خامه‌ای) صادقانه می‌گوید: «... حزب توده که من، از روز اول بنیانگذاری آن تا پایان، مدتی به عنوان موافق و بعد در صف مخالف با آن درگیر بودم...» (۷) در مورد سیاست حزب توده درباره ملی شدن صنعت نفت اظهار می‌دارد: «... در جریان ملی شدن نفت هم شوروی به حزب توده اجازه نمی‌داد از ملی کردن نفت حمایت کند. توده‌ای‌ها همه چیزشان وابسته به شوروی بود... در دوران ملی شدن نفت هم مجبور بودند از روز اول تشکیل جبهه ملی به جبهه ملی فحش بدهند.

اولین روزنامه توده‌ای که شروع کرد به فحاشی به جبهه ملی روزنامه نیسان بود. بعد هم روزنامه‌های دیگر ایجاد شدند و همین طور فحاشی هم زیادتر شد. حتی چاپخانه هم درست کردند. تمام احزاب کمونیستی در تمام کشورها نوکر شوروی بودند و از آنها پول می‌گرفتند و تبعیت می‌کردند. البته در کشور کوچکی مثل کوبا، فیدل کاسترو به خودش اجازه می‌داد تکروری کند ولی این استثناست و حزب‌های بزرگ کمونیست در دنیا همه نوکر شوروی بودند. حزب توده هم نمی‌توانست خارج از آن قاعده باشد. وقتی که خالد بکتاش (۸) از سوریه می‌آمد، معلوم بود که به سفارت شوروی می‌رود.

البته در روزنامه‌ها نمی‌نوشتند ولی ما می‌دانستیم که شب آن جا می‌رفت و وسایلی هم برایش از هر نظر درست می‌کردند و آن جا می‌خوابید. روز بعد هم حزب توده یک اتومبیل در اختیارش می‌گذاشت و او را به کلوب می‌آورد. وابستگی حزب توده به شوروی روشن تر از این حرف‌هاست. موقعی که در تلویزیون مناظره‌ای میان کیانوری و شهید بهشتی انجام گرفت، آقای کیانوری گفت: ما که کاری نکردیم، گناهی نکردیم. اگر خیال می‌کنید خیانتی کرده‌ایم حاضریم دادگاهی تشکیل بدهید. بلافاصله شهید بهشتی جواب داد: اجازه می‌دهید همین الان و همین جا دادگاه را تشکیل بدهیم؟ یعنی قضیه خیانت‌های شما این قدر روشن است که همین الان می‌توانیم شما را به استناد کارهایی که کرده‌اید محاکمه کنیم. (۹)

روزنامه‌های وابسته به حزب توده تنها به جبهه ملی فحاشی نمی‌کردند بلکه دکتر مصدق را هم مورد

شرکت به ایران داده صرف مخارجی شده که در مصالح ملت ایران نبوده است...» (۲)

در آن ایام شایع کرده بودند که این اقدامات به تحریک بیگانگان صورت می‌گیرد لذا دکتر مصدق برای روشن شدن این موضوع گفت: «کمپانی نفت جنوب و عمال آن به قصد مشوب کردن افکار عمومی دنیا خواسته‌اند چنین وانمود کنند که دست یک دولت و یا دولت‌های خارجی دیگری در این امر دخالت داشته و میلیون‌ها ایرانی به نفع و یا به تحریک بیگانگان چنین قیامی نموده‌اند، شما که در ایران هستید بخصوص نمایندگان خبرگزاری‌هایی که از آغاز این مبارزات در ایران توقف داشته‌اید به خوبی واقف هستید که ملت ایران با نهایت از خودگذشتگی و فقط به منظور تحصیل استقلال سیاسی و اقتصادی خود مبارزه به اتخاذ این تصمیم نموده است.

بنابراین تهمت تحریک بیگانه نسبت [به] عملی که صرفاً ملی است، افترا می‌محض و فقط به منظور تحریک و مشوب نمودن اذهان جهانیان است. ملت ایران در این مبارزات نه تنها آلت دست سیاست خارجی معین بر علیه سیاست دیگری قرار نگرفته، بلکه با ملی کردن صنایع نفت خود به صلح و همکاری بین‌المللی بزرگترین خدمت را نموده است.» (۳)

به دنبال قتل سپهبد رزم‌آرا، خلیل فهمی وزیر مشاور دولت وی در ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ (یک روز بعد از قتل رزم‌آرا) موقتاً سرپرستی دولت را به عهده گرفت (۴) و روز بعد مجلس شورا و در ۲۱ اسفند مجلس سنا به حسین علا برای نخست‌وزیری ابراز تمایل کرد که نامبرده در ۲۹ اسفند دولت خود را تعیین و در ۱۸ فروردین ۱۳۳۰ کابینه خود را ترمیم و در ۲۷ فروردین از مجلس رای اعتماد گرفت؛ ولی در ششم اردیبهشت ۱۳۳۰ به علت ناتوانی در حل بحران نفت و فشار دولت انگلستان، از نخست‌وزیری کناره‌گیری کرد و روز بعد جمال امامی لیدر اقلیت که از نمایندگان هتاک و طرفدار دربار بود و گویا به اشاره شاه قبلاً هم به دکتر مصدق پیشنهاد نخست‌وزیری داده بود در جلسه فوق العاده مجلس نیز به دکتر مصدق پیشنهاد قبولی نخست‌وزیری داد، دکتر مصدق اما بدون هیچ قید و شرطی آن را پذیرفت (۵) و از صدر نمایندگان ۷۹ نفر به زمامداری او رای اعتماد داد.

حزب توده و مخالفت با ملی شدن صنعت نفت!
حزب توده از آغاز مبارزات ملت ایران برای ملی شدن صنعت نفت نه تنها با آن مخالفت داشت، بلکه همواره در صدد کارشکنی و چوب لای چرخ گذاشتن دولت مرحوم دکتر مصدق بود.

موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران هر از گاهی که جلساتی تشکیل می‌دهد و در آن برخی از مقامات رژیم قبلی و روزنامه‌نگاران قدیمی در آن حضور